

پیش‌خواب

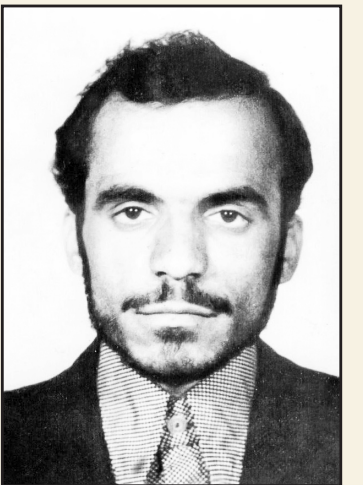
ت‌رور‌ی‌ست‌هایی‌ که‌ پس‌ از‌ پیروزی‌ انقلاب‌ اسلامی‌ سر‌ بر‌ آور‌دند

در شناخت «ترکیب التقاط و ترور»

■ علی احمدی‌فراهانی



تارنمای ناشر در معرفی این کتاب، موارد پی آمده را در خور تذکار می‌بیند: «از میان تمامی نیروهایی که با رژیم پهلوی مبارزه می‌کردند، جریان مذهبی به رهبری امام خمینی، توانست در یک رقابت ایدئولوژیک رژیم پهلوی را سرنگون کرده و نظام جمهوری اسلامی را تأسیس کند. در جریان نهضت امام خمینی احزاب و گروه‌های رقیبی نیز با حکومت پهلوی مبارزه می‌کردند که شاخص‌ترین آنها مارکسیست‌ها یا سرمداری حزب توده و بعدها فدائیان خلق بودند. آنان مارکسیسم را علم مبارزه می‌دانستند و اعتقاد داشتند که تمامی انقلاب‌های جهان، نشئت گرفته از تئوری‌های مارکسیستی است. از طرفی دیگر گروهی از روشنفکران که تحت‌تأثیر برخی متفکران به اسلام منهای روحانیت رسیده بودند، در برپای تلقیف عناصری از مارکسیسم با اسلام برآمدند تا ضمن حفظ ظاهری اعتقادات خود، از روش‌های مارکسیستی نیز در مبارزه با رژیم بهره‌جویند. این دسته از روشنفکران با تفاسیر سمبلیک از قرآن و حدیث، سعی در سازگار کردن تعالیم اسلامی و شرع‌مبین با یافته‌های اندیشمندان غربی داشتند. گروه فرقان یکی از گروه‌های این جریان بود که توسط طلبه‌ای جوان بنیان‌گذاری شد. این گروه مروج، شعار اسلام منهای روحانیت بود و روحانیت اصیل شیعی را، نهاد تزویر در سنت اسلامی می‌دانست. این اثر با مرور چگونگی تشکیل شدن گروه فرقان در سال ۱۳۵۵ به زمینه‌های موجود آمدن و اقدامات ترور‌یستی این گروه در مصاف



▲ اکبر گوربانی رهبر گروه موسوم به فرقان

با انقلاب اسلامی و ملت ایران می‌پردازد. ترور کردن و به شهادت رساندن برخی از علما و اندیشمندان اسلامی از قبیل شهیدمطهری، شهیدمفتح و... در کارنامه‌های

این تحقیق در بخشی از خود، در باب برداشت‌های ناصواب رهبر گروه فرقان از منابع بالادستی دینی، چنین آورده است: «گوربزی که در هنگام دستگیری در ۱۸ دی‌ماه ۱۳۵۸، ۲۳سال بیشتر نداشت، یک روحانی درس‌نخوانده بود که سابقه اخراج از چند حوزه علمیه را در کارنامه خود داشت. وی بعد از تأسیس فرقان نیز با نگاهی التقاطی به تجزیه و تحلیل مسائل مذهبی می‌پرداخت. در سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی، جریان‌های التقاطی می‌کوشید با ارائه ایدئولوژی رادیکال بر مبنای آموزه‌های اسلامی، گوی سبقت را از جریان اصیل روحانیت – که بر مبنای کتب کلاسیک قرآن مجید، تفسیرهای قرآنی‌ها از قرآن نیز در راستای ایدئولوژی آنها بود. گروه‌ک فرقان قبل از روی آوردن به ترور‌ها به کارهایی مانند نوشتن تفسیرهای مدی‌از قرآن مشغول بود که نشئت گرفته از گرایشات مارکسیستی آنها بود. آنان آیات قرآن را تفسیر به رای می‌کردند. به تعبیر منشورات گروه فرقان، فرقانی‌ها هرچند از مارکسیسم متأثر بودند، ولی خود نمی‌پذیرفتند که به متون مارکسیستی مراجعه کنند. سازمان مجاهدین خلق ماترالیسم تاریخی را براساس اصول شرعی تفسیر می‌کرد، ولی فرقانی‌ها بدون ورود به این بحث‌ها، مستقیماً به قرآن مراجعه می‌کردند. در عین حال از طریق مجاهدین خلق و غیر مستقیم به وادی التقاط افتادند. مثلاً درباره واژه صالحات، آنها معتقد بودند که به کارهای روحانی و زیربنایی صالحات گفته می‌شود. حسنات نیز به کارهای روحانی و کچ‌در‌سر گفته می‌شود. سپس نتیجه می‌گرفتند که چون انسان مختار است که راه خویش را برگزیند، در نتیجه مبارزه با حکومت‌های غیر توحیدی و افرادی که این حکومت‌ها را تقویت می‌کنند به عنوان یک عمل صالح و زیربنایی قلمداد می‌شود...»

■ نیما احمدپور

در اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۲ و در دادگاه تجدید نظر نظامی، محکومیت سه‌ساله محمد مصدق نخست‌وزیر دوره نهضت ملی ایران، اِبرام و قطعی شد. ماجرای این دادگاه در ۷۰ سال‌آخر، محل گمانه‌ها و داوری‌های متنوع بوده‌است. مقال بی‌آمده در بازنمایی این چندگانگی و برپایه دیدگاه‌های گوناگون به نگارش در آمده و سعی دارد، تاجنبه‌های گوناگون آن را از نظر دور ندارد.

■ ■ ■

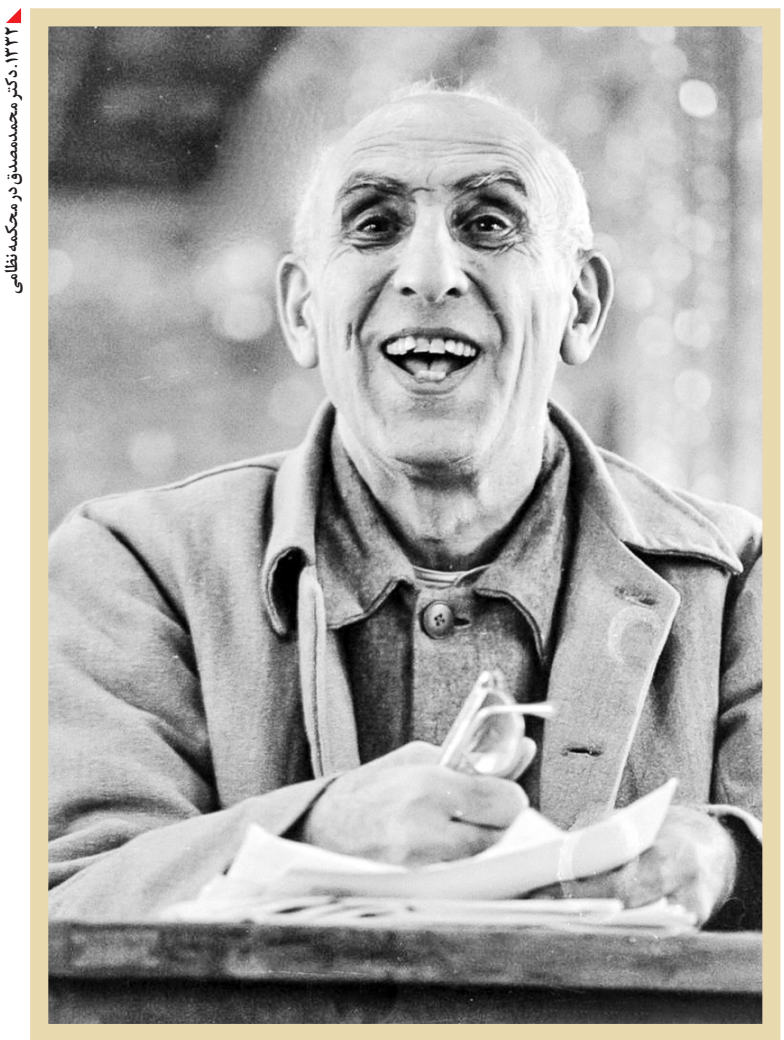
■ در عدم‌استقلال دادگستری پهلویستی

در بادی امر اشاره به این مهم ضروری می‌نماید که دادگستری دوران پهلوی به شهادت عملکرد آن در دوره رضاخان، اساساً نمی‌توانست به شاه و رعیت نگاهی مساوی داشته باشد. علی‌اکبر داور نیز به رغم ایجاد ساختار به ظاهر نوین برای عدلیه، نه تنها هرگز نخواست و نتوانست به سرکوبگری و زمین‌خواری گستره قزاق بپردازد، بلکه با اشاره او تسلیم مرگ شده‌ام از این روی و در آغاز، نمی‌بایست این مفروض اولیه در باره دستگاه قضایی پهلویستی را از یاد برد. محمدرضا چیت‌سازیان پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، در این باره معتقد است:

«وزارت دادگستری در دوران پهلوی دوم، همانند سایر وجوه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، در ید قدرت محمدرضاشاه پهلوی و خاندان سلطنت قرار داشت و به جز در مقاطع کوتاهی ـاز جمله در دوران دولت ملی مصدق ـ دارای استقلال نبود و با بسیاری از استانداردهای قانون اساسی مشروطه، فاصله داشت. همین مسئله باعث شد این نهاد به ابزاری برای اِمن میان به درکردن مخالفین سیاسی خاندان پهلوی تبدیل گردد. اما این مسئله به این معنی نیست که در همین دوران، تمامی قضات فاسد بودند، بلکه افراد شریفی نیز به کار قضاوت می‌پرداختند. با این حال سیستم و ساختار ــ به‌ویژه در مواقعی که پای منافع دربار یا رژیم پهلوی در میان بود ــ اجازه اقدامات و دادرسی‌های



منتقدان مصدق اعتقاد دارند که شاه به کمک او به سلطنت بازگشت!از دیدگاه آنان انحلال مجلس هفدهم به پهلوی دوم این امکان را داد که نهضت ملی را سرکوب و مجدداً پای انگلستان را به ایران باز کند. هم از این روی شاه و حامیان انگلیسی و امریکایی‌اش، اراده‌ای برای محاکمه واقعی مصدق نداشته‌اند و نتیجتاً محاکمه وی به دست افرادی ناتوان، تنها به او امکان مانور و مظلوم‌نمایی داد



محاکمه محمد مصدق در دادگاه نظامی رویدادی که از زوایای گوناگون در خور خوانش است

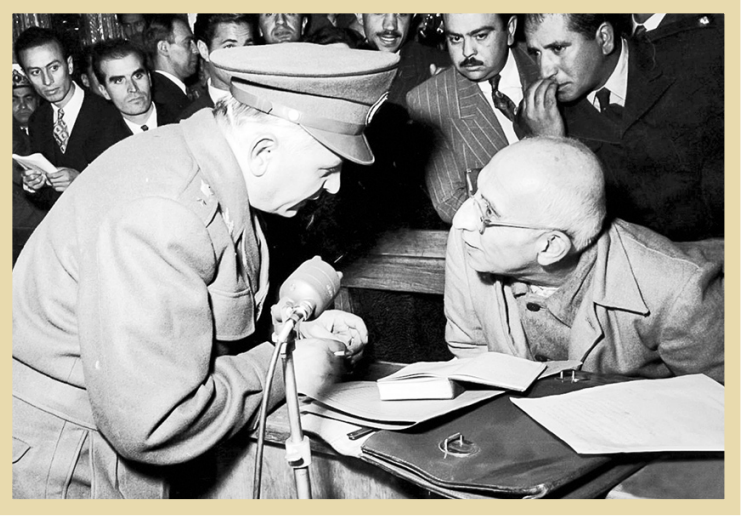
از ادعای تداوم نخست‌وزیری تا عفونامه پهلوی دوم!

مستقلانه، عادلانه و منصفانه را نمی‌داد...»

■ دادگاه‌های نظامی شاه، برای مصدق و دیگران

به رغم اعمال نفوذ دربار در دستگاه قضایی، شاه در پی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و آغاز حکومت مطلقه، حتی اندک استقلال دستگاه قضایی را برنمی‌تافت و مخالفان خویش را به دادگاه‌های نظامی رهنمون می‌ساخت! در چه داران قاضی و دادستان در این محاکم، در امر قضا، اطلاعات و تبیحر چندان‌ی نداشتند و تنها به‌اجرای اوامر مافوق می‌پرداختند و احکام از پیش صادر شده را ابلاغ می‌کردند. سیدمرتضی حسینی پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، در مقالی به مصادیق این امر اشارت برده است:

«در این بین، برگزاری دادگاه نظامی برای چندتن از شخصیت‌های سیاسی برجسته حکومت پهلوی، بسیار قابل تأمل است. به طور مثال می‌توان به دادگاه نظامی مظفر بقایی، محمد مصدق و احمد ارمش اشاره کرد. اگر چه یک از این افراد در زمان‌های مختلف دارای پست و مقام مهمی در حکومت پهلوی بودند، ولی باز هر کدام به طرق مختلف نسبت به سیاست‌های رژیم مخالف داشتند. حکومت پهلوی که نتوانست با روش‌هایی مانند تظمیع و تهدید این اعتراضات را خاموش کند، در نهایت همان مسیر استبدادی را در پیش گرفت که انتظار می‌رفت. شاید دادگاه نظامی دکتر محمد مصدق پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، مهم‌ترین اقدام علنی شاه در سرکوب مخالفان خود باشد. نکته قابل تأمل اینجاست که دادگاه نظامی نباید برای افراد غیر نظامی ایجاد شود، همچنین تشکیل دادگاه نظامی برای یک شخص، نیازمند شرایطی است که اگر این شرایط وجود نداشته باشد، طبق قانون امکان اجرای دادگاه نیز نباید وجود داشته باشد. در پروسه دادگاه نظامی دکتر مصدق، نقش امریکا و لویی هندرسون سفیر امریکا در ایران بی‌بدیل بود. با توجه به حمایت‌های گسترده امریکا از کودتا، محمدرضاشاه چاره‌ای جز پذیرش خواسته‌های آنها را نداشت. از این



▲ دکتر محمد مصدق در حاشیه محاکمه نظامی

هم در جلسه علنی قرائت نشده است، پس مجلس وجود داشته و شاه در حضور مجلس، نمی‌تواند نخست‌وزیر را عزل کند... در روز ۲۵ مردادماه، طبق اسناد منتشر شده از سازمان سیا، روز اجرای کودتا بوده است. در نخستین دقیق شروع این روز، نامه عزل نخست‌وزیری مصدق با امضای شاه، توسط سرهنگ نعمت‌الله نصیری برای نخست‌وزیر ارسال می‌شود و پس از آن قرار بوده، تا فضل‌الله زاهدی جانشین او شود. مصدق درباره اختیار شاه در عزل نخست‌وزیر گفت: اصل ۴۶ متمم قانون اساسی می‌گوید، عزل و نصب وزرا به موجب فرمان همایون پادشاه است که این اصل جنبه تشریفاتی دارد، چنانچه اصل ۴۴ متمم قانون اساسی می‌گوید: شخص پادشاه از مسئولیت میری است و وزرای دولت در هر نوع امور، مسئول مجلسین هستند، پادشاه فقط نامه عزل وزرا توسط مجلس را امضا می‌کند، اگر قرار بود پادشاه هر وقت خواست وزیری را عزل و نصب نماید، مشروطیت معنی و مفهومی پیدا نمی‌کرد... اما می‌تنتایی به دست‌شاه، اتهامی بود که مدام داستان آن را تکرار می‌کرد. البته مصدق هم جوابی در استین داشت: من آن شب دست‌خط عزل را نگاه کردم، دیدم اول امضا شده و بعد نوشته شده، معلوم بود از آخرش که کلمات نمی‌رسید و گشادگشاد نوشته بود تا به امضا برسد. چرا دست‌خطی را که صدور آن ۲۲ مرداد است، ساعت یک بعد از نصف شب روز ۲۵ مرداد ابلاغ کرده‌اند؟ لذا در اصالت فرمان مشکوک شدم. تردید در اصالت فرمان سبب شد که اینجانب از پیشگاه ملوکانه توضیحاتی بخواهم. پس از تحقیق معلوم شد، اول وقت یک‌شنبه از کلاردشت به رامسر و از آنجا رهسپار بغداد شده‌اند که این عمل نیز در جامعه، فرار تلقی شد... دادگاه بدوی مصدق در روز ۳۰ آذرماه، پس از ۳۵ جلسه تمام شد و بیش از آنکه هیئت رئیسه برای رأی به شور برونند، نامه محمدرضاشاه در دادگاه قرائت شد که شاه به پاس خدمت در ملی کردن صنعت نفت، از حق خصوصی خود علیه مصدق صرف‌نظر کرده‌است. دادگاه مصدق را مستحق اعدام دانست، اما در رأی صادره اعلام شد که در تبعیت از افکار عمومی و گذشت شاهنشاه از لغزش‌های او و نیز بالا بودن سن، او را به سه سال حبس مجرد محکوم می‌کنند...»

■ دادگاهی که باید در دیوان عالی کشور برگزار می‌شد

از جمله شگفتی‌های دادگاه مصدق این است که هم او و هم مخالفانش، بر این باور بودند که دادگاه باید در دیوان عالی کشور برگزار و به اتهامات واقعی وی و نه موضوعات کلیشه‌ای و نخ‌نمایی چون «برهم زدن اساس حکومت و تحریص مردم به مسلح شدن بر ضد قدرت سلطنت» رسیدگی شود. مخالفان به صراحت می‌گویند که شاه با برگزاری محکمه‌ای نامتناسب، مانع از آن شد که وقایع تاندیشه و عمل مصدق آشکار شود. دکتر سیدمحمود کاشانی فرزند آیت‌الله سیدابوالقاسم کلاتی و پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، در این فقره خاطرن ساخته است:

«با منحل کردن مجلس شورای ملی دوره هفدهم که نماد مشروطیت و دستانورد بزرگ نهضت ملی ایران بود، مصدق ملت ایران را کت بسسته تسلیم انگلستان کرد و نفت ملی شده ایران را، بار دیگر به کنترل این دولت درآورد. بی‌جهت نبود که آیت‌الله کاشانی که همه سرمایه سیاسی زندگی خود را در پشتیبانی از مصدق هزینه کرده بود، در پاسخ به خبرنگار روزنامه اخبار الیوم که نظری وی را درباره کبفر مصدق پرسیده بود، در یک فتوای فقهی روشن، در روز ۲۳ شهریور ۱۳۳۲ گفت: طبق شرح شریف اسلامی، مجازات کسی که در فرماندهی و نمایندگی کشورش در جهاد خیانت کند، مرگ است... سیدابوالحسن حائری‌زاده علی روز ۲۴ شهریور ۱۳۳۲ گفت: محاکمه دکتر مصدق نسبت به اعمالی که قبل از عزل ایشان انجام شده، باید به وسیله اعلام جرم از طریق کمیسیون‌های مصدق در تعداد بود، اما در یک جمله خلاصه می‌شد: تلاش برای برهم زدن اساس سلطنت. مصدق خود را هنوز نخست‌وزیر می‌دانست و به همین دلیل، دادگاه نظامی را فاقد صلاحیت برای محاکمه خود اعلام کرد: تا قبل از توقیف، نخست‌وزیر بودم و اکنون هم هستم. نهضت ملی ایران به دست آورد، اجازه نداد مصدق برای اتهام‌های سنگین خود در دیوان عالی کشور محاکمه شود و تنها برای اتهام‌های بی‌پایه‌ای در مورد رویدادهای ۲۵ تا ۲۸ مرداد، یک محاکمه نمایشی در دادگاه نظامی برای او برگزار کردند. در جنگ جهانی دوم، فرانسه در سال ۱۹۴۰ به اشغال ارتش آلمان نازی در آمد و دولت فرانسه سقوط کرد. پی‌بر لؤل از شخصیت‌های برجسته فرانسه – که پیش از آن در سمت‌های وزیر دادگستری و وزیر امور خارجه به فرانسه خدمت کرده بود – پس از اشغال فرانسه به همراه مارشال پَتَن در شهر ویشی در مرکز فرانسه در شمال غربی شهر لیون، یک دولت به ظاهر مستقل تشکیل دادند که به دولت ویشی شهرت یافت. مارشال پَتَن رئیس این دولت و بی‌بر لؤل هم معاون او شد. با حملات نیروهای مقاومت فرانسه و متفقین از ناحیه نرماندی به ارتش آلمان در سال ۱۹۴۴، فرانسه آزاد شد و عمر دولت ویشی پایان یافت. لؤل پس از سقوط هیتلر، از سوی امریکایی‌ها در اسپانیا بازداشت شد و به فرانسه تسلیم گردید. پَتَن و لؤل به اتهام سازش و همکاری با اشغالگران و خیانت به کشور محاکمه شدند. لول در دفاع از خود این اتهام را رد کرد و گفت در آن زمان اگر این کار را نمی‌کرد، فرانسه نابود و بسیاری از فرانسویان کشته می‌شدند. ولی قضات دادگاه این دفاع را نپذیرفتند و مارشال پتن و پی‌یر لول را به اعدام محکوم کردند. نرزال دوگل، حکم اعدام نرزال پتن را به دلیل خدماتی که به فرانسه کرده بود کاهش داد و به حبس ابد تبدیل کرد. ولی حکم اعدام درباره پی‌یر لول روز ۱۵ اکتبر ۱۹۴۵



اجرا شد. فرانسویان همکاری با دشمن اشغالگر را خیانت شمردند و با رد استدلال پتن و لول آنان را محکوم کردند، ولی محافلی در کشور ما به رغم دلایل روشن خیانت مصدق به ایران، با نامگذاری خیابانی به نام وی، مزد خیانت را دادند...»

■ اتهاماتی که در دادگاه مطرح نشد!

منتقدان محمد مصدق اعتقاد دارند که شاه به کمک او به سلطنت بازگشت!از دیدگاه آنان انحلال مجلس هفدهم به پهلوی دوم این امکان را داد که نهضت ملی را سرکوب و مجدداً پای انگلستان را به ایران باز کند. هم از این روی شاه و حامیان انگلیسی و امریکایی‌اش، اراده‌ای برای محاکمه واقعی مصدق نداشته‌اند. کاشانی در بسط این نظریه آورده است:

«محاکمه مصدق در سال ۱۳۳۲، یک محاکمه واقعی نبود. مصدق در این دادگاه جنجالی به اتهام همکاری در سؤ‌قصد به‌منظور برهم زدن اساس حکومت و ترتیب وراثت، تخت‌وتاج و تحریص مردم به مسلح شدن بر ضد قدرت سلطنت محاکمه شد، که هرگز واقعیت نداشت و شخص وی هم قویاً با اتهام را تکذیب کرد. مصدق در این دادگاه، توانست مظلوم‌نمایی و موجبات قریب بیشتر مردم را فراهم کند. بر گزار کنندگان این محاکمه، هرگز به نقش واقعی مصدق در این چهار روز یعنی ۲۵ تا ۲۸ مرداد پی نبرده بودند که البته جای شگفتی نیست. زیرا با گذشتن ۵۵ سال از این رویدادها، اکنون در پرتو انتشار اسناد و خاطرات آن چند روز، می‌توان به تحلیل آن رویدادها پرداخت. نکته مهم این است که مصدق هیچگاه برای اتهام‌های واقعی خود، از جمله دستور توقف انتخابات در ۳۳ حوزه و جلوگیری از ورود دشمناننده مردم به مجلس، گرفتن اختیارات غیر قانونی از مجلس و اقدام خائنانه در زمینه انحلال مجلس محاکمه نشد. زاهدی را هرگز نمی‌خواستند اتهام‌های اصلی و واقعی مصدق مورد پیگرد قرار گیرند. زیرا از این اقدامات به ویژه منحل کردن مجلس بهره‌مند شده بودند. سیاست‌های خارجی هم که این برنامه‌ها را طراحی و کارگردانی کرده بودند، هرگز اجازه نمی‌دادند برای اتهام‌های اصلی مصدق پرونده کبفری گشوده شود، زیرا در چنین محاکمه‌ای مکانیزم مداخله آنان در امور داخلی ایران آشکار می‌شد. عنوان جعلی کودتای ۲۸ مرداد، در اصل ساخته و پرداخته انگلستان و عوامل آن در ایران و جهان است. در پرتو تبلیغات گسترده درباره این کودتای خیالی، دولت انگلستان نتوانست اص مصدق را که نقش کارگردانی برنامه‌های این دولت را بر عهده داشته است به عنوان قربانی یک کودتای نظامی معرفی تا وجهه سیاسی او را حفظ کند. از دلایل پرده‌پوشی بر این اتهام و دستور توقف انتخابات، بی‌جهت نبود که عوامل سقوط سلطنت برای امین‌الله گمان این است که سیاست‌های خارجی، همچنان به دنبال تأمین منافع نامشروع خود در میهن ما هستند و کوشش فراوان دارند، تا ملت ایران از شیوه‌های مداخله آنان در کارگاه‌های داخلی خود، آگاه نشود و نتواند از این تجربه داخلی – که بهای گران‌ی برای آن پرداخته شده – درس‌های لازم را بیاموزد...»

■ یک بنای ساکت به مثابه یادگار یک محکمه

سخن در این باره بسیار و همانگونه که اشارت رفت، دیدگاه‌ها متفاوت است. از دادگاهی که مصدق را به سه سال زندان محکوم کرد، تنها صورت ایراد اتهام و پانسیستی باقی ماند و بنایی که در آن محاکمه صورت گرفت، روزنامه همشهری در دی ماه ۱۴۰۱، این عمارت تاریخی و نسبتاً متروکه را چنین توصیف کرد:

«باغ وسیعی در شمال شرق تهران و محدوده خیابان پاسداران جابخش کرده که درخت‌های نسبتاً بلندی دارد و عمارت‌های قاجاری با سقف‌های شیروانی پوشیده آن، هنوز نفس می‌کشند. باغ و عمارتی که به دستور ناصرالدین‌شاه ساخته شد و کاخ ییلاقی سلطنت آباد نام گرفت، سال هاست به عنوان پسادگان ۰۶ – در اختیار ارتش است و در سال‌های اخیر، توافقاتی بین شهرداری و ارتش برای تبدیل عمارت به یک ایستگاه رادیویی در دوره قاجار مهم‌ترین رویدادی که در این کاخ انجام شد، اجازت‌های احمدشاه بود. در دوره پهلوی اول، قسمتی از کاخ خراب شد و تنها عمارت خوشخانه، تالار آینه به برج سلطنت آباد به جاماند که تا یک دهه پیش کارهای تشریفاتی ارتش در آن انجام می‌شد. بخت با این عمارت باور بود و واگذاری آن به ارتش باعث شد، رویدادهایی را به خود ببیند که و در تاریخ ثبت تاریخی یکی از مهم‌ترین وقایعی به این عمارت ارزش و هویت تاریخی داد، محاکمه دکتر مصدق بود... ماجرا از این قرار بود که بعد از کودتای ۲۸ مرداد، مصدق مدتی در باشگاه افسران زندانی بود و بعد، او را به کاخ سلطنت آباد بردند و در تالار آینه محاکمه‌اش کردند. داستان دادگاه مصدق، از بایز سال کودتا در این ساختمان آغاز شد، در کاخی که ناصرالدین‌شاه بنایش کرد و در دوره پهلوی تحت اختیار ارتش بود. مصدق در زندان کاخ سلطنت آباد بازپرسی شد و همین‌جا هم دادگاه نظامی‌اش را برپا کردند. دادگاهی علنی که فرصت مناسبی به او داد تا بتواند حرف‌هایش را بزند. دادگاه مصدق در تالار آینه کاخ سلطنت آباد و در ۲۵ جلسه برگزار شد. اتهامات مصدق بر تعداد بود، اما در یک جمله خلاصه می‌شد: تلاش برای برهم زدن اساس سلطنت و همکاری با اشغالگران و خیانت به کشور محاکمه شدند. لول در دفاع از خود این اتهام را رد کرد و گفت در آن زمان اگر این کار را نمی‌کرد، فرانسه نابود و بسیاری از فرانسویان کشته می‌شدند. ولی قضات دادگاه این دفاع را نپذیرفتند و مارشال پتن و پی‌یر لول را به اعدام محکوم کردند. نرزال دوگل، حکم اعدام نرزال پتن را به دلیل خدماتی که به فرانسه کرده بود کاهش داد و به حبس ابد تبدیل کرد. ولی حکم اعدام درباره پی‌یر لول روز ۱۵ اکتبر ۱۹۴۵ غوغا نرآمد...»